

میدون و سوفیا

نامه به چند حلیی ساز ملی



پوریا عالمی

- سلام

به راستی که شما کی روح در دو بدن هستید و واقعا ما هم از روح می‌ترسیم؛ یعنی چه محصولات شما را سوار شویم؛ چه آن یکی را، هر دو ترساک است و جیج می‌زنیم. انگار روح دیده باشیم.

ولی برای خودم بمیرم ای ارواح چهارچرخه!
ما از روز اول می‌گفتیم آقا اینا استاندارد را شـوخی گرفتند و یکی آتش می‌گیرد و دیگری ترمز ندارد و بدنه ماشین‌هاشان از حلیی است و توی تصادف له‌لورده می‌شوند، بعد مطالب ما چاپ نمی‌شد و می‌گفتند سیاه‌نمایی می‌کنی و خودروی ملی را می‌بری زیر سؤال!

زیر کدام سؤال؟
کسی هم زیر چیزی باشد، ما مردم هستیم که با زیر بار قسط یا زیر ماشین داریم با سگدست ور می‌رویم یا زیر لحاف بیمارستانیم که با این ماشین‌ها تصادف کردیم یا زیر یک مشت خاک که دارند بالا سرمان فاتحه می‌خوانند و می‌گویند: فطلك ترمزش نگرفت!

بله. الان برای ما مثل جشن ملی است که پرونده فساد اقتصادی اینها را قوه قضائیه کشیده رو و چند نفر را هم دستگیر کرده. ولی جان مادران، اینها جز پول‌خوردن، جان و مغز ما را هم خورده‌اند.
یعنی یک پرونده جدا وجود ندارد که چرا خودرو در حد پیت‌حلیی به قیمت لامبورگینی تحویل ملت می‌دهند؟

بعد هم، واقعا شما همین ماشین قراضه را می‌فروختی به ما بیست نبود؟ باید تخوریخور هم می‌کردی کهـ قوه قضائیه بیاید دنبالت؟ اشتباه کردید.

امضا: میدون دوم و سوفیا

یادبود

داریوش اسدزاده درگذشت

پایان آرزوی صدساله‌شدن



● داریوش اسدزاده در ۹۶ سالگی درگذشت؛ او از باسابقه‌ترین هنرمندان عرصه سینما و تئاتر بود که ۷۶ سال در مقام بازیگر، نویسنده و کارگردان کار کرد. داریوش اسدزاده یادگاری از دوران طلایی تئاتر لاله‌زار بود؛ روزگاری که مردم برای دیدن نمایش‌ها، صف می‌بستند. او درباره چگونگی بازیگرشدنش گفته است: «وقتی به دوران نوجوانی رسیدم و آگاه‌ام نسبت به هنر بیشتر شد به تئاتر علاقه‌مندتر شدم، تصمیم گرفتم به روایتیم جامه عمل بپوشانم، به همین خاطر دور از چشم پدرم به هنرستان هنرپیشگی رفتم. موضوع را با پدرم مطرح نکردم، چون می‌دانستم که اگر پی به این قضیه ببرد، محال است که اجازه دهد در این وادی فعالیت کنم و برای اینکه شک‌وشیهه‌ای ایجاد نشود، هم‌زمان در دبیرستان، در رشته‌ای دیگر هم ادامه تحصیل می‌دادم، اگر اشتباه نکنم، سال ۱۳۱۸ بود که در هنرستان، اولین تئاتر غیررسمی‌ام را با نام «لیلی و مجنون» که یک نمایش کم‌دیی بود، روی صحنه بردم. آن روز تئاتر به اضطرار زبادی داشتیم و این استرس تا پایان اجرا و نمایش همراهم بود و رهایم نمی‌کرد. اوایل زیاد دچار این حالت می‌شدم، اما رفته‌رفته یاد گرفتم با تسکول به خدا به این حالتیم غلبه کنم و خوشبختانه در باقی نمایش‌ها به دور از استرس ظاهر شدم».

در سال ۱۳۲۸ وقتی ۲۶ساله بود، با فیلم همسر مزاحم، اولین کار سینمایی خود را شروع کرد. بعد از بازی در فیلم آمریکایی و بازگشت به ایران در سال ۱۳۵۱ به عضویت هیئت‌مدیره سندیکای سینمای ایران درآمد و سپس به تشویق پرفسور دیویدسن برای مطالعه در امور تئاتر به آمریکا دعوت شد و تا سال ۱۳۶۵ آنجا بود. داریوش اسدزاده بیشترین شهرت خود را از سال ۱۳۷۵ با سریال خانه سبز دارد. او درباره پرکار نبودنش در این سال‌های آخر بازیگری‌اش گفته است: بعضی‌ها به من می‌گویند چرا مانند گذشته در عرصه بازیگری پرکار نیستم، واقعیت این است که عوارض بیماری دیگر در من خودش را کاملاً نشان داده و مانند گذشته توان کارکردن ندارم. از طرفی فیلم‌نامه‌هایی که پیشنهاد می‌شود، انگیزه‌ای برای بازی در من ایجاد نمی‌کنند؛ به همین دلیل ترجیح می‌دهم در خانه بمانم و استراحت کنم. زمانی نیروی جوانی تئاتر را به‌دنبال خودش می‌کشاند و زمانی دیگر جسمش بازی‌تان نمی‌کند و شما باید پاسوز آن شوید و از جسمتان توقع زیادی نداشته باشید... در دوران نوجوانی‌ام، من همیشه پرکار بودم و این پرکاری صرفاً در عرصه بازیگری نبود و در حوزه‌های مختلف فعالیت می‌کردم اما الان دیگر توان چندانی ندارم.

روزنامه شتر

www.sharghdaily.ir

دوشنبه ۴ شهریور ۱۳۹۸ • ۲۴ ذی‌الحجه ۱۴۴۰ • ۲۶ آگوست ۲۰۱۹ • سال هفدهم • شماره ۳۵۰۹ • ۱۶ صفحه • اذان ظهر تهران ۱۳:۰۶ • اذان مغرب ۱۹:۵۹ • اذان صبح فردا ۵:۰۳ • طلوع آفتاب ۶:۲۲

روزنارضا

کارتون خواب

میر و سلوا بار تاک



پرنده آبی

هم‌نوایی مدرسه و تنبور



پدرام سلطانی

آبان ۹۶ بود که زلزله کرمانشاه شهر و روستاهای سرپل ذهاب، ثلاث باباجانی، قصر شیرین، کرد و... را لرزاند و خسارات جانی و مالی زیادی به بار آورد. از ساعاتی پس از زلزله، مهر و محبت مردم ایران بود که روانه سرپل ذهاب می‌شد، حجم کمک‌ها چه سازمان‌یافته، چه شخصی، این‌قدر زیاد بود که سهاماندهی و هدایت آنها به‌نوعی خود تبدیل به بحران شده بود.

از تب‌وتاب اولیه که اندکی کاسته شد، در دعوتی از مؤسسات مدرسه‌ساز و اتاق‌های بازرگانی تصمیم به بازسازی مدارس زلزله‌زده در قالب کمپینی به نام #از نو می‌سازیم گرفتیم.

ما نیز در پویش ایران من ساخت چهار مدرسه تخریب‌شده در زلزله را تعهد کردیم.

قرار بود در اقدامی مشترک و با چابکی بیشتر، مدارس را به شیوه‌ای نوین و با سازه‌ای ضدزلزله تا مهر ۹۷ تحویل دهیم؛ اما حجم زیاد درخواست برای بازسازی مدارس، مسئولان آموزش‌وپرورش و نوسازی را هیجان‌زده و سردرگم کرد.

از مشخص شدن روستاها و تخصیص زمین و پذیرش ساخت مدرسه با سازه icf ، تا تأیید نقشه‌ها همه‌وهمه باعث شد تا نزدیک به ۹ ماه باارزش را از دست دهیم و ساخت مدرسه با موج گرانی‌ها و چندبارشدن هزینه‌ها هم‌زمان شود.

به‌رحال کار ساخت مدرسه را در روستاهایی که چند بار تغییر کردند، با کمک مؤسسه خیریه مهرگیتی به‌عنوان مجری ساخت شروع کردیم. سختی و مشکلات کار ساخت در روستاهای آسیب‌دیده که البته بیشتر آن را مؤسسه مهرگیتی متحمل شد، بماند. در کمتر از یک سال ساخت مدارس ایران من در آنجا به پایان رسید و در واپسین روزهای مرداد ۹۸ برای افتتاح آن راهی سرپل ذهاب شدیم.

در عبور از سرپل ذهاب با منظره حاشیه‌نشینی و حلیی‌آبادی که در دل آن شهر شکل گرفته، مواجه شدیم؛ صحنه‌ای تاسف‌بار و حاکی از ضعف مدیریت پساایحران در کشور. در گرمای بالای ۴۰

درجه مردم همچنان در کانکس زندگی می‌کردند و خانه‌های نیمه‌تمامی که نشانی از ادامه کار در آنها نبود، گواهی بر فراموشی پس از بحران بودند؛ اما وضعیت روستاها کمی بهتر بود؛ دست‌کم در روستاهایی که مدارس ایران من ساخته شده بود،

بابک زمانی

رئیس انجمن سکنه مغزی



هفته‌هاست جامعه پزشکی آماج حملات و تصمیماتی است که کار پزشکی - بخوان سلامت- را مورد تهدید قرار می‌دهند. آشکار است سازمان نظام‌پزشکی خطر را در یافته، بارها و بارها بیانیه داده، اعتراض و خاطرنشان کرده است.
اولا جامعه پزشکی هیچ مشکلی با مالیات و کارت‌خوان ندارد و قرار مالیاتی احتمالی برخی همکاران هم بیش از سایر صنوف نبوده و موردتأیید جامعه پزشکی نیست (شروع کارت‌خوان خاص مشاغل از پزشکان هم فقط از آن جهت که خلاف این واقعیت را به اذهان متبادر می‌کند و توهین‌آمیزاست، مورد اعتراض پزشکان است، ثانیاً تشکیلات آموزش پزشکی کشور توان فراگیران بیشتر را ندارد. درست است که گفتن، درخواست و اعتراض‌کردن وجه لازم یک دیالوگ اجتماعی است، اما اگر با نوعی رفتار اجتماعی ادامه پیدا نکند، برای ایجاد تغییرات و تحولات به هیچ‌وجه کفایت نخواهد کرد.
جدل تاریخی، حاصل کنش و واکنش اجتماعی است و گفت‌مان هم از ابتدا ترجمه مناسبی برای «دیس‌کورس» نبود. ای کاش استاد فرهنگ سیاسی ما، «داریوش آشوری»، از ابتدا ترجمه بهتری برای آن می‌یافت تا این‌قدر مکالمه بیانی و نوشتاری در جریان گفت‌مان برجسته نمی‌شد.
فلسفه وجودی سازمان نظام‌پزشکی تنظیم‌کنش‌ها و واکنش‌های جامعه پزشکی به‌عنوان یک جامعه متشکل و به این لحاظ مدرن است و نه صرفا صدور بیانیه‌ها و درخواست‌هایی‌که طبیعتاً از عهده نسخه‌نویسان و دادداشت‌نویسان هم برمی‌آید.
بیانیه‌ها و درخواست‌های سازمان اگر پشت‌کرمی همکاران را نداشته باشند و اگر متضمن اعلام کنشی

- من طرح گرافیستم، شما از کدام صنف هستید؟ - روزنامه‌نگار

غیر از چهره‌های سینما وتئاتر که معمولاً شناخته‌شده هستند، این شاید یکی از معدود نشست‌هایی بود که افراد به واسطه صنوفشان با یکدیگر آشنا می‌شدند. جمع زیادی از اعضای صنوف فرهنگی و هنری به تالار رودکی آمده بودند تا از کام نخست شکل‌گیری کانون فراگیر و سراسری فرهنگ و هنر حمایت کنند. نشست هم‌گرایی دولت و پدیدآورندگان آثار فرهنگی و هنری که با حضور نمایندگان ۱۴ صنف و دو وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و وزیر کار و تعاون برگزار شد، فرصتی متفاوت از همدلی و هم‌گرایی را نشان داد. فرصتی که در آن رؤسای هیئت مدیره و مدیران عامل صنوفی نظیر خانه تئاتر و خانه سینما آن را استثنائی دانستند. این نشست به مناسبت امضای پیش‌نویس دستورالعمل تشکیل و فعالیت انجمن‌های صنفی پدیدآورندگان آثار فرهنگی، هنری و رسانه‌ای در بستر تشکل‌های رسمی و تخصصی روابط کار شکل گرفته بود و رؤسای صنوف از روزنامه‌نگار تا مجسمه‌ساز و گرافست و از تئاتر و سینما و موسیقی هرکدام از منظره به این اتفاق پرداختند.

مراسمی که نباید سخنان و مطالبات اعضای صنوف که در آن مطرح شد از یاد دولت و وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و کار برد. امضای این پیش‌نویس که قدم اول برای امنیت شغلی پدیدآورندگان آثار فرهنگی و هنری است، به سادگی ممکن نشده بود. از یک سال پیش تاکنون جلسات منظمی با حضور نمایندگان صنوف مختلف فرهنگ و هنر به دعوت علی‌اصغر سیدآبادی مشاور برنامه‌ریزی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی تشکیل شده است برای تدوین آیین‌نامه‌های ذیل ماده ۹۲ برنامه ششم توسعه و در نهایت منجر به بحث نظام صنفی شده است. به این ترتیب اکنون برای اولین بار در تاریخ فرهنگ و هنر کشور، با تصویب هیئت دولت پدیدآورندگان آثار فرهنگی و هنری و رسانه‌ای می‌توانند ذیل تبصره (۵) ماده (۱۲۱) قانون کار، انجمن صنفی سراسری تشکیل دهند.

به موجب همین تصویب‌نامه هر یک از حوزه‌های فرهنگی، هنری و رسانه‌ای می‌توانند یک کانون سراسری تشکیل دهند و در نهایت از به‌هم‌پیوستن آنها کانون فراگیر فرهنگ و هنر، تشکیل خواهد شد و آن‌طور که سیدآبادی می‌اشاره کرد، فرصت، متحقق شده است

اجتماعی نباشند، راه به جایی نخواهند برد. تردیدی نیست شروع یک کنش اجتماعی از جانب پزشکان به دلیل وجود مشکلات عمیق سلامت که به هر حال، ایشان هم به‌عنوان پیاده‌نظام در آن دخیل هستند و اینکه عرصه عمومی و حتی فرهیختگان آن تاکنون هیچ نشانه‌ای از درک سیستم پیچیده سلامت از خود بروز نداده‌اند و به این لحاظ کوچک‌ترین نشانه‌ای از قبول هر نظرگاهی که پزشکان ابراز کنند، در ایشان مشاهده نشده، کار بسیار دشواری است. اما دشواری بی‌حد راه به هیچ‌وجه نمی‌تواند توجیه‌کننده انکار وجود چنین ضرورتی -کنش اجتماعی پزشکان- باشد. وظیفه سازمان است با توجه به اطلاعاتی‌که از جامعه پزشکی و از میزان متابعت آنان از خود دارد، نوع کنش اجتماعی پزشکان را که در این موارد به‌خصوص -کارت‌خوان و ظرفیت‌های پزشکی- درواقع نوعی واکنش هستند، تعیین کرده و همه را به متابعت از آن دعوت کند. تحقق عینی سازمان در عمل زمانی است که فعالیتی بسیار کوچک ولو نمادین را از همکاران خود بخواهد و آنها انجام دهند. این رفتار می‌تواند که‌گاه درخواست استفاده از نشانه‌ای در مطب‌ها به بهانه‌ای باشد یا کار ساده‌ای مثل دعوت به پذیرفتن بیمارانی که پول نقد می‌پردازند یا پذیرش درخواست برخی از همکاران در جهت عدم کار در بخش خصوصی، در حالی که وظایف دولتی خود در درمان و وظایف خود در اورژانس‌ها را انجام می‌دهند؛ می‌تواند اطلاع این موضوع به مسئولان باشد که سازمان، قدرت ممانعت از تصمیم مدیران گروه‌های آموزشی در پذیرفتن دانشجویان بیش از ظرفیت بخش‌های آموزشی‌شان را ندارد چراکه این موضوع هم به ذاتی‌ترین وظایف اخلاقی این مدیران و به سوگند نظام‌پزشکی ایشان مربوط می‌شود؛ بی‌تردید شکوائیه به مراجع قانونی، بیگیری و انتشار اخبار آن هم یک کنش اجتماعی است. واقعیت آن است که شرایط

اتفاق

هم‌گرایی صنوف برای امنیت شغلی

از این حدیث‌های نفس دردناک از هنرمندان و خالقان اثر نداشته باشیم»، اما نکته‌ای که نگار نادری به عنوان نماینده همت انجمن هنرمندان تجسمی از گرافیک تا تصویرگری و خوشنویسان و... به آن اشاره کرد، نکته مهمی بود: «این بار لباسی بر تن هنرمندان دوخته نشد و خواستند خودشان برای تدوین این آیین‌نامه فعالانه وارد عمل شوند که با زور بر تن آنان کنند. این بار خود اهالی هنر مطالبه خود را به نتیجه رساندند. جامعه مدنی هنر با حضور همین نهاده‌ها شکل نمی‌گیرد». او درخواست کرد که هنرمندان و اعضای صنوف با یکدیگر عهد ببندند که از این تشکل ملی جز برای توانمندی، استقلال و صیانت حقوق مادی و معنوی هنرمندان و... استفاده نکنند.

کاوه رضوانی‌راد به عنوان دبیر حقوقی خانه موسیقی نیز به چند نکته اشاره کرد که صنوف باید مدنظر داشته باشند و باارواح نیز از هم‌رایی با هنرمندان گفتند. از نظرات و مطالبه در اجرای صحیح این تصویب‌نامه است و اینکه بتوانند آن را از بوروکراسی رایج کشور نجات دهند و تلاش رای شکل‌گیری تشکل‌ها انجام شود تا تشکل‌های صنفی هنری ذیل فصل ششم قانون کار تشکیل شوند. او یادآوری کرد که از شکل‌گیری الیگارش‌ی فرهنگی همچون دخالت دولت در شکل‌گیری نهاد صنفی و شکل‌گیری نهادهایی نزدیک به دولت جلوگیری شود.

در این نشست مسعود هوشمندرضوی از انجمن روزنامه‌نگاران استان تهران نیز به قوانین کار جهانی اشاره کرد و دو وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و وزیر کار و تعاون نیز از هم‌رایی با هنرمندان گفتند. از نظر هنرمندان این یک سال می‌تواند الگویی برای دیگر بخش‌های دولت نیز باشد تا به خود صنوف اعتماد کنند و از گذاشتن مسئولیت برعهده آنها ترسند. در حال حاضر و بعد از تدوین این تصویب‌نامه وظیفه سنگینی بر عهده دولت دوازدهم، دولت تدبیر و امید است که همان‌طور که درخواست هنرمندان بود: «سال‌نامه به صورت کامل تصویب شود، سازوکار در دو وزارتخانه اجرایی شود و یک کارگروه سه‌وجهی برای رفع موانع احتمالی تشکیل شود تا شفافیت مورد توجه قرار گیرد». عکسی که در انتهای مراسم گرفته شد، یادگاری است برای پیگیری مستمر صنوف برای تصویب و شکل‌گیری این اهداف.



اشاره کرد: «این برای اولین بار است که هنرمندان جایگاهی به عنوان چیزی که خواستارش هستند پیدا می‌کنند و این روز و این لحظه، ارزشمند و تاریخی است. راهی پیموده شد و خواسته هنرمندان که جز گسترش فضای فرهنگی و خدمت تأثیرگذار به مردم و جامعه نیست، شنیده و اجرایی شد. این تفاهم‌نامه برای اولین بار هنرمندان را به مطالبات خودشان می‌رساند».

فریدون عموزاده‌خلیلی که به نمایندگی از انجمن داستان‌نویسان و انجمن نویسندگان کودک و نوجوان سخن می‌گفت، خاطره‌ای مکتوب از محمود دولت‌آبادی در یکی از کتاب‌هایش را خواند و خطاب به دو وزیر گفت: «این مسئولیتی است که بر دوش پیشینان شما بود و ما باید گلابه کنیم که چرا این قدر دیر انجام شد. امروز را می‌توان تاریخی دانست و امیدوار بود دیگر

کیف‌های سیاه

ملکه همواره یک عکس خانوادگی، جدول متقاطع روزنامه‌ها، دفتر خاطرات، دفترچه یادداشت و احتمالا تلفن هوشمندن نیز همراه خود دارد. همچنین به نقل از یکی از تاریخ‌نویسان خاندان سلطنتی انگلیس، ملکه الیزابت از کیف خود برای علامت‌دادن به خدمتکارانش استفاده می‌کند؛ به‌طورمثال هنگامی که قصد رفتن دارد، کیف خود را روی میز می‌گذارد و اگر کیف را از دستی به دست دیگری بدهد، به این معنی است که می‌خواهد گفت‌وگو را تمام کند. یک کیف سیاه دیگر نیز بسیار مشهور است؛ ترامپ را نیز مانند دیگر رؤسای جمهور آمریکا یک افسر نظامی با یک کیف سیاه چرمی همراهی می‌کند؛ این

ملکه همواره یک عکس خانوادگی، جدول متقاطع روزنامه‌ها، دفتر خاطرات، دفترچه یادداشت و احتمالا تلفن هوشمندن نیز همراه خود دارد. همچنین به نقل از یکی از تاریخ‌نویسان خاندان سلطنتی انگلیس، ملکه الیزابت از کیف خود برای علامت‌دادن به خدمتکارانش استفاده می‌کند؛ به‌طورمثال هنگامی که قصد رفتن دارد، کیف خود را روی میز می‌گذارد و اگر

پرنده آبی

کیف که به نام «توپ هسته‌ای» یا «کیف سیاه» شناخته می‌شود به ترامپ اجازه می‌دهد که هر لحظه فرمان حمله هسته‌ای را صادر کند. در این کیف دکمه‌ای برای شلیک بمب هسته‌ای وجود ندارد، بلکه کارتی در آن هست که با نام «بیسکویت» شناخته می‌شود و کدهای شلیک هسته‌ای در آن است. در این کیف چهار چیز هست: کتاب سیاهی که گزینه‌های حمله هسته‌ای را در خود دارد، فهرست پناهگاه‌های رئیس‌جمهور آمریکا در صورت شلیک بمب هسته‌ای، دستورالعمل‌های اعلام حالت فوق‌العاده و کارتی که یک دک برای تأیید هویت رئیس‌جمهور آمریکا در خود دارد.